

Social Factors Affecting the Sense of Social Commitment

Received: 08, May, 2023

Accepted: 17, August, 2023

Article type: Research Article

PP: 159-188

DOI:

[10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544)

Seyyed Mustafa Hosseini

Sociology doctoral student, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: seyedmostafahosseini748@gmail.com

Faizullah Norouzi

Responsible author, Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: faizollah_nouroozi@yahoo.com

Talia Khademian

Department of Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: sonia_khademian@yahoo.com

Abstract

Background and objectives: Since social commitment is one of the main components of morality and determinant of social order, this article was written with the aim of investigating the level of social commitment of the citizens of Tehran, and in it, the factors affecting this variable were investigated.

Methodology: This research was conducted using a quantitative method and through a survey. The sample size was determined based on Cochran's formula and 384 residents of Tehran over the age of eighteen were interviewed in person through multi-stage cluster probability sampling with a questionnaire. The validity of the research was achieved through face validity.

Findings: The mean score of sense of social commitment of people is 3.8, satisfaction of individual needs is 2.8, the amount of social solidarity is 3.5, emotional dependence is 4.2, the sense of social control is 2.4, the sense of deprivation is 2.2, and the correlation coefficients of each with the dependent variable are 0.29, 0.61, 0.51, 0.43, and -0.22, respectively. With a significance level of less than 5%, all hypotheses were confirmed.

Results: In multiple regression analysis, R^2 is also 5%. The results confirm the serious impact of the mentioned variables on the sense of social commitment. Therefore, it is necessary to strengthen these factors, especially those that have the highest correlation coefficient with the dependent variable, according to the research proposals, to increase the sense of social commitment and social order.

Keywords: Social commitment, Social order, Social control, Social solidarity, Emotional dependence.

Citation(APA): Hosseini, Seyyed Mustafa; Norouzi, Faizullah; Khademian, Talia. (2023). "Social Factors Affecting the Sense of Social Commitment", *Journal of Social Order*, 15(3), pp. 159-188.

Doi: [10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544)

عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تعهد اجتماعی

چکیده

زمینه و هدف: از آنجاکه تعهد اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی اخلاق و تعیین‌کننده انتظام و نظم اجتماعی است، این مقاله با هدف بررسی میزان احساس تعهد اجتماعی شهروندان شهر تهران نوشته شده و در آن، عوامل مؤثر بر این متغیر مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: این تحقیق با روش کمی و از طریق پیمایش انجام شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران مشخص و ۳۸۴ نفر از ساکنان بالای هجده سال شهر تهران از طریق نمونه‌گیری احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای با پرسش‌نامه، مصاحبه حضوری شدند. اعتبار تحقیق از طریق اعتبار یابی صوری حاصل شد.

یافته‌ها: میانگین احساس تعهد اجتماعی مردم ۳/۸، ارضای نیازهای فردی ۲/۸، میزان همبستگی اجتماعی ۳/۵، وابستگی عاطفی ۴/۲، احساس کنترل اجتماعی ۲/۴، احساس محرومیت ۲/۲، و ضریب همبستگی هر کدام با متغیر وابسته به ترتیب ۰/۲۹ و ۰/۶۱ و ۰/۵۱ و ۰/۴۳ و ۰/۲۲- است. با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد، همه فرضیه‌ها تأیید شد.

نتیجه‌گیری: در تحلیل رگرسیون چند گانه R² نیز ۵ درصد است. نتایج، تأثیر جدی متغیرهای اشاره‌شده بر احساس تعهد اجتماعی را تأیید می‌کند؛ بنابراین، لازم است این عوامل بخصوص آن‌هایی که بالاترین ضریب همبستگی با متغیر وابسته را دارند، طبق پیشنهادها تحقیق بیشتر تقویت شوند تا احساس تعهد اجتماعی و به تبع آن نظم و انتظام اجتماعی افزایش یابد.

کلیدواژه‌ها: تعهد اجتماعی، انتظام اجتماعی، کنترل اجتماعی، همبستگی اجتماعی، وابستگی عاطفی.

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۶

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: ۱۵۹-۱۸۸

شناسه دیجیتال (DOI):

[10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544)

سید مصطفی حسینی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

seyedmostafahoseini748@gmail.com

فیض‌الله نوروژی

نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

faizollah_nourooji@yahoo.com

طلیعه خادمیان

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه:

sonia_khademian@yahoo.com

استناد (APA): حسینی، سید مصطفی؛ نوروژی، فیض‌الله؛ خادمیان، طلیعه. (۱۴۰۲).

«عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس تعهد اجتماعی». نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۵(۳)،

صص ۱۵۹-۱۸۸.

شناسه دیجیتال: [10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544](https://doi.org/10.22034/ENTEZAM.2023.1274204.2544)

تعهد اجتماعی وضعیتی شناختی، احساسی و رفتاری است که در افراد وفاداری و التزامی در قبال جمع، نقش‌ها، قواعد، ارزش‌ها و هنجارها ایجاد می‌کند و موجب می‌شود فرد با انتظارات دیگری سازگاری و تطابق یابد، اگرچه در این راه متحمل هزینه نیز می‌شود؛ بنابراین، باید توجه کرد که تعهدات داوطلبانه نشانگر پیوند ذهنی و همبستگی افراد با دیگران است. در واقع، می‌توان گفت نشانه سلامت جامعه، قابلیت و توانایی جامعه برای تکیه بر تعهدات، به‌جای وظایف در حفظ و نگهداشت لوازم جامعه است. (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۲). در واقع، تعهد اجتماعی حالتی از دگرخواهی انسان‌هاست و فردی متعهد است که وفادار به عهد و پیمان خود باشد و در پی صیانت از اهدافی باشد که برایشان پیمان بسته است (سنجری، ۱۳۷۵، ۳۶). امروزه مسئله تعهد اجتماعی بسیار کم‌رنگ و به قول دورکیم به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده و با ساختارهای اجتماعی موجود در جامعه مرتبط شده است همین امر می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را برای نظام اجتماعی به‌وجود آورد (فستینگر، ۱۹۵۹، ۱۱۳). در این زمینه، تحقیقات متعددی به‌همت بیدل و محمودزاده (۱۳۹۱) انجام شده است. نتایج یکی از تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که تعهد و تعلق اجتماعی، هم به‌مثابه عامل مؤثر و هم به‌منزله عامل تأثیرپذیر، نقش مهمی در جریان توسعه‌یافتگی دارند.

ناهماهنگی موجود در روابط اجتماعی نیز موجب افزایش فردگرایی خودخواهانه شده و در نتیجه باعث کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش حيله و زور می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۳۳). بنابراین لزوم پرداختن جدی به مسئله تعهد اجتماعی در وضعیت فعلی بیشتر از گذشته حس می‌شود، زیرا جوامع امروزی از یک‌سو دچار مسائلی چون اختلال روابط اجتماعی، عدم احساس مسئولیت‌پذیری، عدم احساس امنیت، افزایش بی‌اعتمادی اجتماعی و همچنین افزایش چشمگیر ناهماهنگی شناختی شده و از سوی دیگر به‌دلیل وجود ارزش‌ها و هنجارهای متضاد در اجتماع که خود نتیجه برخی فرایندهای سطح

کلان از جمله جهانی شدن است، جامعه قادر نبوده که هنجارها و قواعد منسجم را ایجاد کند و این عامل آسیبها را افزایش داده و مشکلات جدی را به وجود آورده است.

تعهد اجتماعی به عنوان یکی از ارکان مهم اجتماعی، شرایط تنظیم امور در جامعه را فراهم کرده، بر قابلیت ثبات و نظم اجتماعی می افزاید و جریان های اجتماعی و پیش بینی امور را تسهیل می کند. تعهد می تواند به کارکردی بودن گروه های اجتماعی کمک کند، چنان که یکپارچگی در تعهدات فردی باعث ایجاد تعهد اجتماعی می شود. تعهد اجتماعی محور اصلی اتصال بین گروه ها بوده و این توانایی را به اعضای گروه ها می دهد که حقوق خود را درخواست کنند. تعهد اجتماعی خصلت هایی را به وجود می آورد که می تواند برای گروه ها مورد نیاز باشد. در اشکال قوی تر نیز تعهد اجتماعی به ملاحظات اخلاقی مربوط می شود (دوری از آسیب رساندن و...) (تاملا و همکاران، به نقل از سیدان و محمدی، ۱۳۸۸، ۲).

نظر به اینکه تعهد اجتماعی در فرایند جامعه پذیری توسط فرد آموخته می شود و از آنجاکه نظام آموزشی به ویژه مدرسه یکی از نهادهای مهم اجتماعی کردن افراد است؛ لذا بی توجهی به این مسئله می تواند مسائل گوناگونی را در نظام آموزشی به همراه داشته باشد. کما اینکه این مسائل امروزه در نظام آموزشی بخصوص در میان نوجوانان و جوانان مشاهده می شود؛ بنابراین، شناسایی عوامل مرتبط با تعهد افراد و مکانیسم های بینابینی مربوط به آن، تا حدودی می تواند راهکارهای لازم برای حل مسئله را ارائه نماید. به عبارت دیگر با توجه به نقش مهم احساس تعهد اجتماعی در جامعه، اگر عوامل مؤثر بر آن و نیز مکانیسم های تأثیرگذاری آن در جامعه را مورد بررسی قرار دهیم، می توانیم جهت ایجاد تعیین پذیری رفتاری در افراد و افزایش بهگشت اجتماعی در جامعه، راهکارهای خاصی را ارائه دهیم. بنابراین هدف اساسی این پژوهش، ضمن سنجش متغیر وابسته (احساس تعهد اجتماعی)، پاسخ به این سؤال است: عوامل مؤثر بر احساس تعهد اجتماعی کدام است؟

پیشینه و مبانی نظری

الف) پیشینه

حسینی نژاد ماه خاتونی و پریزاد و الهی‌منش (۱۴۰۱)، در تحقیقی با عنوان «بررسی ارتباط بین تعهد اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر بندرعباس» به این نتیجه رسیدند که بین میزان کل تعهد اجتماعی (۰/۳۵) و ابعاد آن یعنی رعایت داوطلبانه هنجارها (۰/۴۳)، درونی‌شدن ارزش‌ها (۰/۳۷)، پایبندی به جامعه (۰/۴۰)، یکسان‌پنداری خود با دیگران (۰/۳۲) و پایبندی به خانواده (۰/۲۵) با مشارکت سیاسی شهروندان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج نشان داد که کل اثر متغیر مستقل اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان به میزان ۰/۵۵ است.

امیر احمدی (۱۴۰۰)، در تحقیقی با عنوان «تأثیر جهت‌گیری مذهبی در ایجاد تعهد اجتماعی و قانون‌گرایی در بین جوانان شهر اسلام‌آباد غرب»، دریافتند که جهت‌گیری مذهبی بر تعهد اجتماعی (۴۳۷/۱۹) و جهت‌گیری مذهبی بر قانون‌گرایی (۳۳۳/۴) و تعهد اجتماعی بر قانون‌گرایی (۷۵۰/۵) تأثیر دارد. در بررسی نقش میانجی تعهد اجتماعی در تأثیرگذاری جهت‌گیری مذهبی بر قانون‌گرایی، مقدار آزمون تست سوبل حدود (۵،۵۰) است. اثر جهت‌گیری مذهبی بر تعهد اجتماعی و قانون‌گرایی تأیید شد. همچنین متغیر تعهد اجتماعی می‌تواند نقش میانجی را بین جهت‌گیری مذهبی بر قانون‌گرایی داشته باشد.

مبارکی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر تعهد اجتماعی» که جامعه آماری آن شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه استان همدان و روش انجام پژوهش به صورت کمی بود، به این نتایج رسیدند که بین چند متغیر سرمایه اجتماعی، ارضای نیازهای فردی، رضایت اجتماعی، ارزش‌های غیرمادی، جامعه‌پذیری، گروه مرجع فرهنگی و متغیر تعهد اجتماعی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین متغیرهای احساس امنیت، فردگرایی خودخواهانه گروه مرجع غیرفرهنگی دارای یک اثر

منفی و معناداری با تعهد به جامعه هستند و در مجموع، متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۳۷ درصد تغییرات متغیر تعهد به جامعه را تبیین کنند.

یوسفی و فرهودی‌زاده و لشکری‌دربندی (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «فشار هنجار و تعهد اجتماعی در ایران» که به صورت کمی انجام شد، به این نتایج رسیدند که ۶۴٫۵ درصد از مردم ایران، از لحاظ اجتماعی تعهدپذیر هستند و در دوراهی نفع خود و نفع جامعه، نفع جامعه را ترجیح داده و می‌پندارند که انتظار جامعه نیز چنین باشد. در مقابل، ۱۷٫۳ درصد از مردم ایران نیز تعهدناپذیر بوده و در این دوراهی، نفع خود را به نفع جامعه ترجیح می‌دهند و چنین می‌پندارند که انتظار جامعه از آن‌ها نیز همین باشد. ۱۸٫۱ درصد از مردم ایران تعریف شخصی از عمل مسئولانه دارند و در شرایط پیش‌گفته، مبتنی بر هنجارهای شخصی عمل می‌کنند. نتایج دیگر نشان می‌دهد که در ایران میانگین فشار هنجاری برای انجام عمل متعهدانه و فشار هنجاری تعهد اجتماعی، از فشار وجدانی برای ترک آن بیشتر است.

توکلی‌نیا (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تعهد اجتماعی در دانشجویان دانشگاه اصفهان» که جامعه آماری آن شامل دانشجویان دانشگاه آزاد تهران بود و روش انجام آن به صورت کمی بود، به این نتایج رسید که در تحلیل رگرسیونی چند متغیره ۰/۳۸ از واریانس متغیر تعهد اجتماعی توسط متغیرهای مستقل موجود تبیین می‌شود. از میان متغیرهای تحقیق، رضایت اجتماعی دارای بیشترین قدرت تبیین روی واریانس‌های تعهد اجتماعی دانشجویان است و پس از آن میزان دین‌داری، اعتماد و پایگاه اجتماعی - اقتصادی به ترتیب در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند.

حقیقتیان و عبداللهی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر تعهد اجتماعی در بین دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر اصفهان» که به صورت کمی انجام شد، دریافتند گرایش دینی، اعتماد سیاسی، جنسیت، و شادکامی با تعهد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارند اما وضعیت اقتصادی با تعهد اجتماعی رابطه معناداری ندارد. نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که

متغیرهای مذهب، شادی، اعتماد سیاسی، و جنسیت در مجموع ۰,۵۳ از واریانس وابسته را تبیین کرده‌اند.

فاطمی‌نیا و حیدری (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مرتبط با تعهد شهروندی» که جامعه آماری آن شامل ساکنان تهران و روش انجام پژوهش به صورت کمی بود، به این نتایج رسیدند که سرمایه اجتماعی و عام‌گرایی اثر مثبت و معناداری بر تعهد شهروندان دارد و احساس ناامنی و انومی اجتماعی اثر منفی و معناداری بر تعهدات شهروندی دارد. همچنین استبداد، روان‌شناسی اجتماعی در جامعه به وجود می‌آورد که تعهد شهروندی را کاهش می‌دهد.

صباغ و قیاسی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان تعهد اجتماعی» که جامعه آماری آن شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بود و به صورت کمی انجام شد، به این نتایج رسیدند که میزان تعهد اجتماعی در بین مردان بیشتر از زنان است و بین میزان رضایت اجتماعی و تعهد اجتماعی رابطه با همبستگی متوسط وجود دارد. نتیجه تحلیل رگرسیون چندگانه بیانگر آن است که چهار متغیر جنسیت، سن، نوع دانشکده و رضایت اجتماعی حدود ۲۵ درصد میزان تغییرات تعهد اجتماعی را تبیین می‌کنند و بیشترین تغییر متعلق به متغیر رضایت اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، ضرایب تأثیر رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیر رضایت اجتماعی با ضریب (۰/۴۳۱) قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان تعهد اجتماعی دانشجویان مذکور است.

سیدان و محمدی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر میزان تعهد اجتماعی در زنان و مردان شاغل» که جامعه آماری آن شامل کارکنان معاونت سلامت وزارت بهداشت و روش انجام پژوهش به صورت کمی بود، به این نتایج رسیدند که متغیرهای ۱. میزان روابط و مبادلات اجتماعی افراد؛ ۲. متغیر وابستگی عاطفی؛ و ۳. متغیر جامعه‌پذیری زنانه، با تعهد اجتماعی افراد رابطه مستقیم و مثبت دارند و نهایتاً در تحلیل رگرسیون چندگانه، متغیر جنسیت بزرگ‌ترین مقدار t را داشته است؛ یعنی بیشترین میزان تغییرات متغیر وابسته به طور مستقیم و به شکل مثبت تحت تأثیر جنسیت است.

نوروزی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «تعهد اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» که جامعه آماری آن شامل دانشجویان دانشگاه آزاد تهران بود و به صورت کمی انجام شد، به این نتایج رسید که بین تعهد اجتماعی و متغیرهای سن، احساس همبستگی اجتماعی، مشروعیت، احساس کنترل اجتماعی، اعتقادات دینی، رضایت سیاسی، احساس هماهنگی بین اهداف و وسایل، رابطه همبستگی مثبت وجود دارد. و بین متغیرهای عقلانیت ابزاری، ارزش‌های مادی، یادگیری و احساس نابرابری و بی‌عدالتی با تعهد اجتماعی نیز رابطه معنادار منفی وجود دارد. همچنین میزان تعهد اجتماعی پاسخگویان بر روی یک طیف پنج‌قسمتی (۴-۰) معادل ۲,۵ بوده است.

علی‌اکبری و سلطانی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان آشنایی و پایبندی دانش‌آموزان ایرانی پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در کویت نسبت به هویت ملی» که جامعه آماری آن شامل دانش‌آموزان ایرانی مقیم کویت بود و به صورت کمی انجام شد، به این نتایج رسید که میزان تعلق و تعهد دانش‌آموزان نسبت به هویت ایرانی در کشور کویت بسیار بالاست، ۹۳,۸٪ تعلق بسیار زیاد و میزان تعهد دانش‌آموزان به هویت ملی ۶۵٪ در پسران و ۳۲٪ در دختران، که تعهد پسران ۱۸٪ بیش از دختران است.

ایمان و مرادی (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با تعهد اجتماعی جوانان شهر شیراز» که جامعه آماری آن شامل جوانان ۱۹-۳۵ ساله شهر شیراز و روش انجام پژوهش به صورت کمی بود، به این نتایج رسید که ۶۵ درصد از جوانان شهر شیراز تعهد اجتماعی ضعیف، ۳۲,۵ درصد تعهد اجتماعی متوسط و ۱۱,۵ درصد تعهد اجتماعی بالایی دارند. در این تحقیق، تعهد اجتماعی مردان بیشتر از زنان بوده و تعهد اجتماعی اقوام لر، ترک و فارس بیشتر از اقوام اقلیت عرب یا گُرد بوده است.

پرجمی (۱۳۷۴)، در پژوهشی با عنوان «تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن» که جامعه آماری آن شامل دانش‌آموزان دبیرستانی تهران و روش انجام پژوهش به صورت کمی بود، به این نتایج رسید که عوامل متعددی چون فردگرایی، اجتماعی‌شدن، گرایش ملی، سیاسی، دینی، احساس محرومیت

نسبی، وسایل ارتباط جمعی، اعتماد به دیگران، رضایت، مادی‌گرایی و امنیت و تأمین اجتماعی با تعهد اجتماعی جوانان رابطه داشته است و متغیر اجتماعی شدن بیشترین همبستگی (۰/۵۴۷۹) را با متغیر وابسته تعهد اجتماعی دارد.

کاجرن^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط تعهد و بزهکاری» به این نتایج رسید که بین بزهکاری و تعهد اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی هر چقدر تعهد اجتماعی افراد در جامعه کاهش یابد گرایش به جرائم و بزهکاری افزایش خواهد یافت و هر چه تعهد اجتماعی قوی‌تر و مستحکم‌تر شود بزهکاری و جرائم کاهش می‌یابد.

تسای و وانگ^۲ (۲۰۰۴)، در پژوهشی با عنوان «نقش متغیر مداخله‌گر رضایت از پرداخت بر رابطه میان تعهد حرفه‌ای سازمانی» که روش انجام پژوهش به صورت کیفی بود، به این نتایج رسیدند که بین تعهد حرفه‌ای و سازمانی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، نتایج این تحقیق حاکی از تأثیر مستقیم رضایت بر تعهد حرفه‌ای و سازمانی است یعنی رضایت با احساس تعهد ارتباط مستقیم دارد.

سانتوز^۳ (۱۹۹۸)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با تعهد شغلی، سازمانی و حرفه‌ای مربیان سازمان توسعه جمهوری دومینیکن» که روش انجام پژوهش به صورت کمی بود، به این نتایج رسیدند که نتایج تحلیل همبستگی هر نه متغیر با حداقل یکی از متغیرهای تعهد رابطه معنادار داشت. بین تعهد شغلی و اعتبار شغلی، تعهد شغلی و اعتبار سازمانی، تعهد شغلی و اعتبار حرفه‌ای رابطه مثبت مشاهده شد. یک همبستگی مثبت بین تعهد حرفه‌ای و اعتبار حرفه‌ای، تعهد حرفه‌ای و اعتبار شغلی، تعهد حرفه‌ای با اعتبار سازمانی گزارش شد. روابط میان تعهد حرفه‌ای، سازمانی و شغلی در تحقیق

1 Cochran
2. Tsai and Wang
3. Santos

یادشده نشان داد که اگر یک نوع تعهد بهبود یابد، سایر انواع تعهد نیز بهبود می‌یابند.

جنکینز^۱(۱۹۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بزهکاری مدارس و تعهد مدارس» به این نتایج رسید که کاهش میزان تعهد دانش‌آموزان به مدرسه با افزایش غیبت در مدرسه و مشارکت در جرم سوءرفتار ارتباط دارد؛ به عبارت دیگر، افزایش غیبت در مدرسه و مشارکت در جرم سوءرفتار، رابطه معکوس با میزان تعهد به مدرسه دارد. همچنین دانش‌آموزانی که مادران تحصیل کرده دارند و در طبقه اجتماعی بالا قرار دارند، تعهد اجتماعی و مشارکت بیشتری در قبال مدرسه‌شان دارند.

لاور و یون^۲(۱۹۹۳)، در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر تعهد» که روش انجام پژوهش به صورت کمی بود، به این نتایج رسیدند که فراوانی مبادلات عامل ایجاد تعهد و برابری قدرت و انسجام در مبادله، عامل مؤثر بر افزایش مبادله است؛ یعنی به عبارتی بین فراوانی مبادله و احساس تعهد رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد.

کوشمن^۳(۱۹۹۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی کشف راه‌های بهبود وضع کاری مدارس» که جامعه آماری آن شامل معلمان شاغل بود و به صورت کیفی انجام شد، به این نتایج رسید که بین متغیرهای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، رضایت شغلی و احساس مفید بودن، با تعهد معلمان رابطه مستقیم وجود دارد؛ بنابراین، او سه متغیر (مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، رضایت شغلی و احساس مفید بودن) را عوامل مؤثر بر تعهد معلمان می‌داند.

ب) مبانی نظری

تئودور میلز در رابطه با مسئله نیازها، بحث خود را این‌طور بیان می‌کند که نیازها اساس روابط اجتماعی افراد هستند. بدین ترتیب که ابتدا نیازها موجب ایجاد شبکه‌های تعاملی بین افراد جامعه شده و متعاقب آن، خود شبکه روابط

1. Jenkins
2. Lawler and Yoon
3. Cushman

اجتماعی، باعث شکل‌گیری انواع مختلف گروه‌های اجتماعی می‌شود. هم‌زمان با ایجاد گروه‌ها، برخی قواعد و هنجارهای اجتماعی نیز به‌وجود می‌آید. این قواعد در کنار خود موقعیت‌های اجتماعی (سلسله‌مراتب‌ها) و انتظارات اجتماعی را شکل خواهند داد. مجموعه این انتظارات اجتماعی، نقش‌های مختلف اجتماعی را ایجاد کرده و تعامل و ارتباط بین نقش‌ها، موجب تعهد افراد به وظایف خود می‌شود (میلز، به نقل از مبارکی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۴).

به نظر میلز، تعهد ضرورتاً وابسته به عهد است؛ بدین معنا که صرف‌نظر کردن از بعضی چیزها توسط برخی از افراد گروه که به‌طور ارادی صورت می‌پذیرد، به این دلیل است که چیزهایی به‌دست آورند، اما آنچه که آن‌ها به‌دست می‌آورند در آینده و پس از این‌که چیزهایی از دست دادند خواهد بود. از این‌رو باید بتوانند روی تعهد دیگران برای ایفای نقش‌هایشان در آینده، و ارائه چیزهایی که در این زمان به‌خاطر آن‌ها صرف‌نظر کرده‌اند، حساب نمایند. در واقع این وابستگی تعهد به عهد و پیمان دیگران، عنصری است که میلز آن را به عناصر موردنظر بکر اضافه می‌کند. میلز معتقد است در جامعه‌ای که افرادش نسبت به نقش‌هایشان احساس تعهد کنند، اعتماد اجتماعی قطعاً به‌وجود خواهد آمد (پرچمی به نقل از صباغ و قیاسی، ۱۳۹۱، ۹۲). بنابراین، ارضای نیازهای فردی باعث می‌شود که فرد نسبت به برقراری روابط اجتماعی و عضویت در گروه‌های اجتماعی خوش‌بین شده و نسبت به جامعه احساس تعهد کند.

دورکیم عقیده دارد که همبستگی اجتماعی در یک گروه نوعی احساس مسئولیت متقابل در افراد به‌وجود می‌آورد؛ به‌طوری‌که افراد جامعه دیگر نمی‌توانند نسبت به خواست‌ها و نیازهای یکدیگر بی‌تفاوت باشند. هر یک از نقش‌هایی که افراد اجرا می‌کنند، به نحوی ثابت، وابسته به نقش‌های دیگرند و همراه با آن‌ها یک دستگاه همبسته را به‌وجود می‌آورند. در نتیجه ماهیت فعالیتی که هر کس انتخاب می‌کند، وظایفی پایدار برای وی ایجاد می‌کند. ما از آنجاکه عامل اجرای این یا آن نقش خانوادگی یا اجتماعی معین هستیم، در

شبکه‌ای از تعهدات و تکالیف قرار گرفته‌ایم که حق نداریم آن‌ها را نادیده بگیریم (دورکیم، ۱۳۸۱، ۲۰۰).

دانشمند اسلامی ابن خلدون، همبستگی اجتماعی را مبتنی بر عصبیت قومی دانسته و معتقد است که اصل و جوهرهٔ حیات جمعی را روح یاریگری به یکدیگر و پدیدهٔ تعلق اجتماعی تشکیل می‌دهد که این روح یاریگری و عصبیت، همان ایجاد همبستگی اجتماعی است. او تضعیف همبستگی اجتماعی را ناشی از اضمحلال عصبیت قومی میان انسان‌ها می‌داند و معتقد است که در جهت برآوردن نیازها هرچه انسان‌ها به تحمل‌خواهی و تن‌پروری فرو روند به همان میزان به شکست و نابودی نزدیک می‌شوند (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴، ۱۶۵-۱۸۷).

دورکیم جامعه جدید را اساساً واجد خصلتی اخلاقی می‌داند. به نظر او اخلاق برخاسته از جمع بوده و از طریق صمیمیت و احساس مشترک، روابط متقابل، تکلیف و تعهد به وجود می‌آید. از آنجاکه از گروه انسجام و گرمی برمی‌خیزد، گروه می‌تواند سرچشمه خود بنیاد بوده، دل‌ها را گرم کند و به آن نیرو و حیات بخشد و ضمن اینکه توجه به تمایلات فردی و فردگرایی را مهار می‌کند، موجب می‌شود افراد حس پیوند با جمع و توجه به ارزش‌های جمعی را به دست آورند (عبدی، ۱۳۷۸، ۱۶۶-۱۶۷).

از نظر پارسونز (به نقل از صاحبی، زالی‌زاده، ۱۳۹۴، ۱۲) اینکه افراد در جامعه با هم احساس همبستگی کنند متضمن احساس دوستی و احترام متقابل در بین اعضا، و پیروی از ارزش‌ها و هنجارهای نهادینه‌شده جامعه یا کمک مثبت و مؤثر برای تأمین اهداف جمعی است. در حقیقت این وابستگی باعث می‌شود که افراد نیاز بیشتری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کنند و در نتیجه دلیل بیشتری خواهند داشت تا برای حفاظت از دستاوردهای خود با دیگران هم‌نوا بمانند. حرمت نهادن انسان‌ها در جامعه به ارزش‌های شخصی همدیگر - تصاویر دنیای مطلوب - می‌تواند در پذیرش ارزش‌های کلی‌تر جامعه چون هنجارهای اجتماعی نقش مؤثری ایفا کند.

تعهد اجتماعی پایه عملی اخلاق است که در ارتباط با پایه نظری اخلاق (که همان اصول و قواعد تکلیف است) قرار دارد. مونچ (۱۹۸۸) تعهد را قطبی از اقطاب شخصیت و شخصیت را نیز رابط بین نظام ارگانیک و نظام اجتماعی می‌داند که طی فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد (مونچ، به نقل از چلبی، ۱۳۸۶، ۲۲۸). از این نظر وابستگی عاطفی تولید تعهد می‌کند و تعهد و علقه اجتماعی نیز عناصر اصلی هنجارهای اجتماعی و اخلاقی هستند. بدون وابستگی عاطفی، نظم هنجاری غیرممکن است. پایه نظم هنجاری جامعه، عاطفه است. در فرایند جامعه‌پذیری هم پتانسیل‌های عاطفی فرد پرورش پیدا کرده و هم فرد به تدریج گرایش عاطفی مثبت نسبت به دیگران و "ما" (های ما) معین پیدا می‌کند.

خانواده اولین نهاد جامعه است که به پرورش عاطفه‌پذیر فرد می‌پردازد و در آن فرد نسبت به سایر اعضا وابستگی عاطفی پیدا می‌کند؛ درحالی‌که خانواده به‌طور اساسی تمایل به وابستگی عاطفی به افراد انضمامی و اجتماع طبیعی را در شخصیت فرد ایجاد می‌کند، از مدرسه این انتظار وجود دارد که میل به وابستگی عاطفی تعمیم پیدا کرده به انسان انتزاعی و اجتماع جامعه‌ای را در شخصیت فرد ایجاد کند. از این رو سعه‌صدر فرد بستگی به نوع وابستگی عاطفی او دارد. اگر فرد میل به وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته را در نظام شخصیتی خود کسب کرده باشد، همه انسان‌ها را از خود می‌داند و در برابر همه احساس تعهد و تکلیف می‌کند و همه افراد در تعریف او از دوستی جای می‌گیرند (چلبی، ۱۳۸۶، ۱۰۲).

فرد با اجتماع از دو راه وابستگی عاطفی دارد: یکی از راه رابطه اجتماعی و دیگری از راه عضویت اجتماعی در اجتماعات، میزان تعاملات و مبادلات اجتماعی افراد بر میزان وابستگی افراد تأثیر بسزایی دارد؛ به‌گونه‌ای که هرگاه تعامل، به‌خصوص تعامل اجتماعی تداوم پیدا کند، به رابطه اجتماعی تبدیل می‌شود و این رابطه باعث وابستگی عاطفی افراد می‌شود. پس رابطه اجتماعی، وابستگی عاطفی تولید می‌کند و وابستگی عاطفی ایجادشده نیز

به نوبه خود حافظ این رابطه می‌شود. در این زمینه تئودور میلز عنصر اصلی نقش‌های رفتاری افراد را که به وسیله نظم و ترتیب اجتماعی تعیین شده است، تعهد می‌نامد (میلز، ۱۹۸۸، ۱۲۲).

شاو و مکی معتقدند که پایبندی به قواعد هنجاری با ناکارآمدی و ضعف نظام کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد. (چه در سطح خانواده و چه در سطح جامعه) این امر هم موجب ضعف تعهد، و هم موجب بالا رفتن میزان بزهکاری در افراد می‌شود. ساترلند و کرسی نیز معتقدند که خانواده اولین عاملی است که بر قانون‌پذیری فرزندان نقش مهمی ایفا می‌کند (ساترلند و کرسی، به نقل از مبارکی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۳).

کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی با جامعه باشد (محسنی، به نقل از گودرزی، ۱۳۹۸، ۱۶۸). بیکر^۱ معتقد است کنترل اجتماعی و انتظارات فرهنگی عام تأثیر بسزایی بر میزان تعهد افراد دارد. او می‌گوید: گاهی افراد در خود احساس می‌کنند که نسبت به عملی متعهد هستند، زیرا انتظارات فرهنگی عام برای ترک آن عمل مجازات‌هایی را در نظر گرفته است؛ لذا افراد برای اینکه مورد مذمت قرار نگیرند و مشمول این مجازات‌ها نشوند در موقعیت‌های مختلف مطابق با انتظارات فرهنگی به ایفای نقش می‌پردازند و سعی می‌کنند به قراردادهای اجتماعی متعهد باشند (به نقل از ایمان و مرادی، ۱۳۸۸، ۱۵۵-۱۷۴).

کنترل اجتماعی رسمی، در بردارنده اقدام‌هایی است که منابع اقتدار، به منظور مقابله با وقوع کج‌روی در جامعه انجام می‌دهند. این اقدام‌ها به دلیل متکی بودن به ضمانت‌های اجرایی دولت، به طور هم عمده الزام‌آور و متکی به قهر و اجبارند و هم به گستره خاصی از هنجارهای رسمی اجتماعی محدود می‌شوند و با تکیه بر همان ضمانت‌های اجرایی حکومت، تعریف می‌شوند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ۵۰۷).

کنترل غیررسمی در نقطه مقابل کنترل رسمی قرار داشته و بر هنجارهای متعارف، ارزش‌ها و اصول اخلاقی مبتنی است. ضمانت‌های اجرای کنترل غیررسمی عبارت‌اند از:

- متغیرهای درونی: مانند ترس از روبه‌رو شدن با مخالفت جامعه، نگرانی از طرد شدن توسط اطرافیان، ترس از پذیرفته نشدن رفتار در اجتماع، و... .
- اهرم‌های بیرونی، مثل تشویق و تمجید از رفتارهای راست روانه و در مقابل، سرزنش، تمسخر و حتی طرد شدن فرد کج‌رو توسط دیگران (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶، ۵۰۷). کلمن نیز وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت اجرای کارآمد روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه مؤثر می‌داند (کلمن، به نقل از اولادی و محمدی و نظری، ۱۳۹۹، ۷).

از دیگر عوامل تأثیرگذار بر تعهدات شهروندی، احساس محرومیت نسبی است. سخن اساسی نظریه محرومیت نسبی، احساس محرومیت بوده که حاصل تفاوت بین انتظارات و چیزهایی است که در عمل به دست آورده‌ایم. در واقع، احساس محرومیت ناشی از تفاوت بین انتظارات و ماحصل نتیجه مقایسه با دیگر گروه‌ها و یا افراد دیگر جوامع است (نینس و کرنس، ۲۰۰۳، به نقل از فاطمی‌نیا و حیدری، ۱۳۸۹، ۵۰-۵۱). احساس محرومیت نسبی، از درک افراد از عادلانه بودن جامعه نشات می‌گیرد، یعنی اینکه هر چه که افراد، جامعه را ناعادلانه درک کنند احساس محرومیت آن‌ها نیز بالاتر است (تروپ و راییت، ۱۹۹۹، به نقل از همان، ۵۱). احساس محرومیت منجر به احساس نارضایتی می‌شود و عدم اعتماد را در آن‌ها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت آن‌ها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام انحراف را به دنبال خواهد داشت. طبق نظریه محرومیت نسبی، احساس محرومیت متأثر از درک افراد از عادلانه بودن جامعه است؛ بنابراین،

1Niens & Cairns

2Tropp & Wright

افرادی که جامعه و سازمان‌های مرتبط با آن را عادلانه تلقی نمایند، مسئولیت‌پذیری و تعهد بیشتری نسبت به کسانی که جامعه را ناعادلانه می‌بینند خواهند داشت (آگیلرا و آتل، ۲۰۰۵، به نقل از همان، ۵۱). به‌عنوان مثال، افرادی که در یک سازمان کار می‌کنند (جامعه) اگر محیط اداره و کار خود را عادلانه و منصفانه بپندارند، برای بهبود وضعیت و بهره‌وری بیشتر تلاش خواهند کرد.

احساس محرومیت به‌طور ضمنی به واکنش‌های روانی اجتماعی محرومیت مطلق مانند از خودبیگانگی اشاره دارد. محرومیت در ارتباط با تبعیض، احساس بی‌عدالتی، بیماری ذهنی و برای تفسیر ارزیابی نابرابری و بازتوزیع درآمد استفاده می‌شود؛ بنابراین، احساس محرومیت به‌طور فزاینده‌ای مکمل مفاهیم فقر مطلق به‌عنوان مهم‌ترین عامل درک پیامدهای نابرابری‌های عینی و ذهنی است (ایگ و چن به نقل از کردعلیوند و مبارکی، ۱۳۹۷، ۴).

محرومیت مفهومی اجتماعی و نسبی است و براساس هنجارهایی تعیین می‌شود که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با هم فرق داشته باشند. به این ترتیب، فقر در کشوری در حال پیشرفت ممکن است با محرومیت از امکاناتی همراه باشد که برای ادامه حیات ضروری است (دارو، غذا، مسکن) در حالی که فقر در کشوری پیشرفته ممکن است بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات زندگی متوسط جمعیت یا گروه‌های اجتماعی با درآمد بالاتر دلالت داشته باشد (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴، ۴۰).

نظریه میدانی دنباله نظریه گشتالت است. پایه‌گذار این نظریه، کورت لوین است. بنا به تعریف او، رفتار انسان محصول تأثیر دو عامل فرد و محیط است که می‌توان آن را به صورت فرمول زیر بیان کرد: $B=F(P+E)$ که رفتار انسان (B) تابعی از شخص (P) و محیط (E) است (روشه، ۱۳۷۰ به نقل از نوروزی، ۱۳۸۷، ۱۰۵).

نخستین مفهومی که از نظریه میدانی برمی‌آید آن است که رفتار فرد اولاً به خصوصیات درونی او یعنی توارث، توانایی‌ها، شخصیت، تندرستی و نظایر آن، و ثانی موقعیت اجتماعی که وی در آن لحظه در آن قرار گرفته نظیر حضور یا عدم حضور دیگران، ممانعت از رسیدن او به هدف، نگرش جامعه نسبت به رفتار وی و مانند آن‌ها بستگی دارد (یوسف کریمی، به نقل از نوروزی، ۱۳۸۷، ۱۰۵-۱۰۶). طبق نظر لوین، P و E مستقل از یکدیگر تغییر نمی‌کنند. نفوذناپذیری مرزهای بین من و بیرون برحسب بخش‌های معین شخص، فرهنگ پیرامون و فضا، هر لحظه متفاوت است. به این ترتیب از انتقال نامحسوس فردی به جمعی و از آگاه به عینی گذر می‌شود. شخص، اشیاء، نهادها، جوامع، حوادث، همگی عناصر موقعیت‌ها به‌شمار می‌آیند. این عناصر بین خود روابط پویایی دارند که مجموعه آن، ساخت میدان روانی - جامعه‌شناختی را تعیین می‌کند.

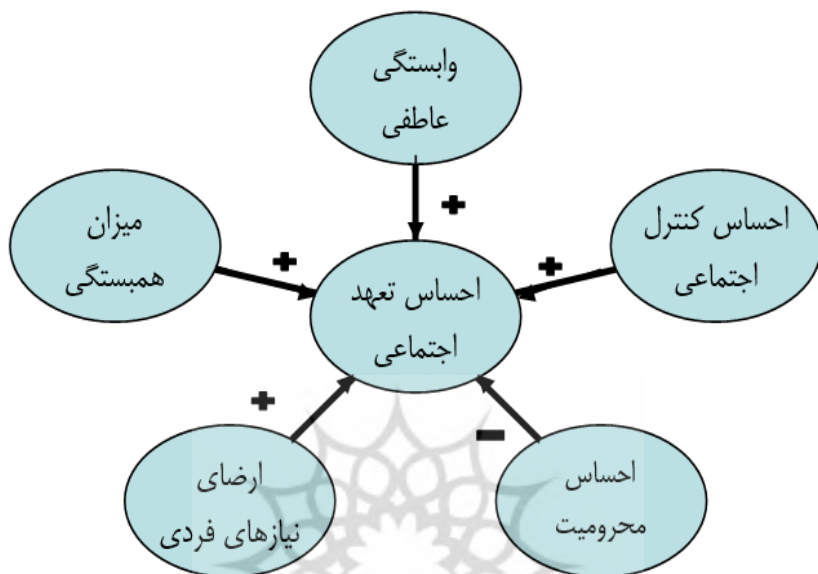
مشاهده می‌شود که با نظر یاتمید و لوین، تا چه حد از تضادی که دورکیم بین وجدان فردی و وجدان جمعی مطرح می‌نمود دور می‌شویم. محیط اجتماعی هم محیط شخص و هم جزئی از موقعیت او به‌شمار می‌رود (روشه، به نقل از نوروزی، ۱۳۸۷، ۱۰۶).

با توجه به نظریه‌ها و چهارچوب نظری، فرضیات تحقیق در هفت بند تدوین شد:

- ۱- ارضای نیازهای فردی تأثیر مستقیمی بر احساس تعهد اجتماعی دارد؛
- ۲- میزان همبستگی اجتماعی تأثیر مستقیمی بر احساس تعهد اجتماعی دارد؛
- ۳- وابستگی عاطفی تأثیر مستقیمی بر احساس تعهد اجتماعی دارد؛
- ۴- احساس کنترل اجتماعی تأثیر مستقیمی بر احساس تعهد اجتماعی دارد؛
- ۵- احساس محرومیت بر احساس تعهد اجتماعی تأثیر معکوس دارد؛
- ۶- وضع اشتغال بر احساس تعهد اجتماعی تأثیر دارد؛
- ۷- جنس بر احساس تعهد اجتماعی تأثیر دارد.

مدل مفهومی

براساس مبانی نظری، مدل مفهومی به شکل زیر ارائه می‌شود:



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش

این پژوهش از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی کمی توصیفی از نوع پیمایشی با ابزار پرسش‌نامه است و از این جهت که در پی یافتن روابط بین متغیرها هستیم، تحقیق از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق، افراد بالغ (۱۸ سال و بالاتر) ساکن شهر تهران هستند که سطح تحصیلات آنان از ابتدایی تا دکتری را شامل می‌شود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و دقت نمونه‌گیری ۹۵ درصد، ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. برای نمونه‌گیری از روش احتمالی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده به طوری که در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران ابتدا بلوک‌ها انتخاب (هر منطقه ۲ بلوک) و سپس از بین بلوک‌ها افراد به صورت تصادفی انتخاب شدند. بعد از این‌که فرد را انتخاب

کردیم، سؤال‌ها را از روی پرسش‌نامه خوانده و با توجه به پاسخ دریافتی، گزینه منطبق با پاسخ آنان را تیک زده‌ایم. یعنی از تکنیک مصاحبه حضوری ساختمند (پرسش‌نامه حضوری) استفاده شده است.

برای تحلیل داده‌های این تحقیق از آمار توصیفی و سپس از آزمون‌های آماری مقتضی استفاده شد که از آنجا که متغیرهای مورد بررسی از نوع متغیر کمی هستند برای بررسی رابطه و همبستگی بین آن‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، برای تبیین تغییرات متغیر وابسته و تحلیل مسیر، از رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

خصوصیات فردی و جمعیتی پاسخگویان

جدول ۱. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک وضع اشتغال

وضع اشتغال	فراوانی	درصد
شاغل	۲۷۲	۷۰٫۸
غیر شاغل	۱۱۲	۲۹٫۲
کل	۳۸۴	۱۰۰

جدول ۲. توزیع درصد فراوانی پاسخگویان به تفکیک جنس

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۰۳	۵۲٫۹
زن	۱۸۱	۴۷٫۱
کل	۳۸۴	۱۰۰

تحلیل تک‌متغیره متغیرهای اصلی

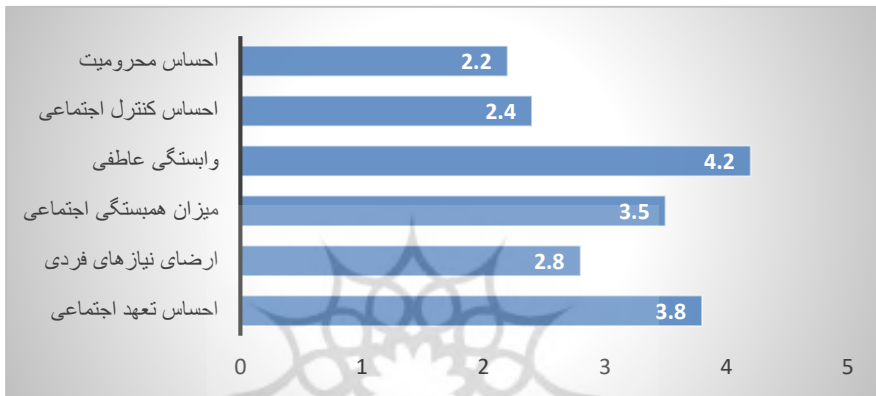
احساس تعهد اجتماعی

جدول ۴. آماره‌های توصیفی متغیر احساس تعهد اجتماعی

میانگین	چولگی
۳/۸۹	۰/۱۴

احساس تعهد اجتماعی حدود ۱۹ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۳، حدود ۴۶ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۴ و حدود ۳۵ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۵ بوده و همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین احساس تعهد اجتماعی ۳/۸ است؛ یعنی به طور متوسط احساس تعهد اجتماعی مردم از نمره وسط شاخص احساس تعهد اجتماعی (نمره ۳)، بیشتر است.

یافته‌های استنباطی



نمودار ۱، میانگین نمره پاسخگویان از هر یک از متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق همان طور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود، بیشترین میانگین (۴/۲) متعلق به متغیر وابستگی عاطفی است و پس از آن متغیر احساس تعهد اجتماعی با میانگین ۳/۸ قرار دارد. کمترین میزان میانگین‌ها نیز ابتدا به متغیر احساس محرومیت (۲/۲-) و پس از آن متغیر احساس کنترل اجتماعی (۲/۴) قرار دارد.

ضریب‌های همبستگی پیرسون:

جدول ۵. ضریب همبستگی و سطح معناداری بین متغیر "احساس تعهد اجتماعی" با متغیرهای مستقل

سطح معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل
.۰۰۰	/۳۹۷	ارضای نیازهای فردی
.۰۰۰	/۶۱۳	میزان همبستگی اجتماعی
.۰۰۰	/۵۱۴	وابستگی عاطفی
.۰۰۰	/۴۳۵	احساس کنترل اجتماعی
.۰۰۰	-/۲۲۰	احساس محرومیت

در جدول فوق مشاهده می‌کنیم که ضریب همبستگی احساس تعهد اجتماعی با ارضای نیازهای فردی $r=0/297$ ، با میزان همبستگی اجتماعی $r=0/613$ ، با وابستگی عاطفی $r=0/514$ ، با احساس کنترل اجتماعی $r=0/435$ ، و با احساس محرومیت $r=-0/220$ است و حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل با احساس تعهد اجتماعی رابطه مستقیم، همچنین بین متغیر احساس محرومیت با متغیر وابسته معکوس وجود دارد و از آنجا که سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($p = 0,000$) است. بدین ترتیب فرضیه‌های ما تأیید می‌شوند.

جدول ۶. سنجش رابطه احساس تعهد اجتماعی با متغیر وضع اشتغال و جنس

متغیر	پیرسون خی ۲	درجه آزادی	سطح معناداری	شدت رابطه با متغیر وابسته
وضع اشتغال	۱۲۶/۷۸۳	۳۸	.۰۰۰	۱۵۷۵
جنس	۱۵۷/۲۲۹	۳۸	.۰۰۰	۱۶۴۰

جدول ۷. خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای مستقل با احساس تعهد اجتماعی

مدل	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
۱	.۷۴۳	۱/۵۵۲	۱/۵۴۴	۳۵۰۰۹

پیش‌بینی کننده‌ها: (مقدار ثابت): وابستگی عاطفی، احساس محرومیت، احساس کنترل اجتماعی، ارضای نیازهای فردی، میزان همبستگی اجتماعی

جدول ۷ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق ۵۵ درصد از تغییرات احساس تعهد اجتماعی را تبیین می‌کنند یا به عبارت دیگر ۵۵ درصد از تفاوت احساس تعهد اجتماعی مردم ناشی از هفت متغیر فوق است.

بحث و نتیجه‌گیری

از بین ۳۸۴ نفر پاسخگو حدود ۲ درصد بی‌سواد و ابتدایی، ۳ درصد راهنمایی، ۲۸ درصد دیپلم، ۱۹ درصد کاردانی، ۳۱ درصد کارشناسی، ۱۳ درصد کارشناسی ارشد و ۴ درصد مقطع دکتری هستند. از این میان ۷۱ درصد شاغل و ۲۹ درصد غیر شاغل هستند. تعداد ۳۸۴ نفر از طریق مصاحبه حضوری ساختمان به سؤالات و گویه‌های مربوط به شاخص احساس تعهد اجتماعی پاسخ داده‌اند. احساس تعهد اجتماعی حدود ۱۹ درصد از پاسخگویان برابر با

نمره ۳، حدود ۴۶ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۴ و حدود ۳۵ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۵ بوده و میانگین احساس تعهد اجتماعی ۳/۸ است که بین احساس تعهد اجتماعی متوسط تا زیاد قرار می‌گیرد. میانگین متغیرهای مستقل نیز بدین ترتیب است: احساس کنترل اجتماعی (۲/۴)، احساس محرومیت (۲/۲)، ارضای نیازهای فردی (۲/۸)، میزان همبستگی اجتماعی (۳/۵)، وابستگی عاطفی (۴/۲).

بررسی ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته با تمامی متغیرهای مستقل رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس بین متغیر احساس تعهد اجتماعی و متغیرهای احساس کنترل اجتماعی، ارضای نیازهای فردی، میزان همبستگی اجتماعی، وابستگی عاطفی، رابطه همبستگی مستقیم وجود داشته و این ضرایب در سطح اطمینان ۰/۹۵ قابل قبول است.

متغیر احساس محرومیت نیز دارای رابطه معنادار با احساس تعهد اجتماعی بوده اما رابطه آن معکوس است؛ به عبارت دیگر افرادی که احساس محرومیت بیشتری دارند، احساس تعهد اجتماعی کمتری دارند و این رابطه در سطح ۰/۹۵ معنی دار است؛ بنابراین، تمام فرضیه‌های این تحقیق که متغیرهایی با سطح سنجش فاصله‌ای دارند، در رابطه دو به دوی متغیرها، مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

نتایج آزمون خی ۲ و سنجش همبستگی بین احساس تعهد اجتماعی با ویژگی‌های فردی (جنس و وضع اشتغال) نشان می‌دهد که جنس، با شدت رابطه قوی (۰/۶۴)، و وضع اشتغال، با شدت رابطه قوی (۰/۵۷)، بر احساس تعهد اجتماعی تأثیر دارند.

نتیجه رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از تفاوت احساس تعهد اجتماعی را هفت متغیر ارضای نیازهای فردی، میزان همبستگی اجتماعی، وابستگی عاطفی، احساس کنترل اجتماعی و احساس محرومیت تبیین می‌کند و ۴۵ درصد از تغییرات آن به عوامل و متغیرهای دیگر بستگی دارد.

مقایسه نتایج به دست آمده با نتایج تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که به طور متوسط احساس تعهد اجتماعی مردم از نمره وسط شاخص احساس تعهد اجتماعی (نمره ۳)، بیشتر است. احساس تعهد اجتماعی حدود ۱۹ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۳، حدود ۴۶ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۴ و حدود ۳۵ درصد از پاسخگویان برابر با نمره ۵ بوده و میانگین احساس تعهد اجتماعی ۳/۸ است که در مقایسه با نتایج تحقیق ایمان و مرادی (۱۳۸۶)، با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با تعهد اجتماعی جوانان شهر شیراز» درمی‌یابیم احساس تعهد اجتماعی مردم بیشتر و نسبت به نمره وسط شاخص احساس تعهد اجتماعی تقریباً برعکس شده است؛ به عبارت دیگر، چولگی از سمت چپ به راست مایل شده است. البته به نظر می‌رسد این تفاوت نتیجه، به علت تفاوت در جمعیت تحقیق است که در تحقیق ایمان و مرادی (۱۳۸۶) جمعیت تحقیق جوانان ۱۹-۳۵ ساله شهر شیراز بوده اما در تحقیق حاضر، جمعیت تحقیق ساکنان بالای ۱۸ سال شهر تهران بوده است.

از مقایسه نتایج تحقیق حاضر با تحقیق فیض‌الله نوروزی (۱۳۸۷)، با عنوان «تعهد اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» درمی‌یابیم که میانگین احساس تعهد اجتماعی ۳/۸ که بر روی یک طیف پنج‌قسمتی (۵-۱) به دست آمده با میانگین تعهد اجتماعی ۲/۵ تحقیق فیض‌الله نوروزی که بر روی یک طیف پنج‌قسمتی (۴-۰) به دست آمده است تقریباً برابر بوده و همخوانی دارد. همچنین نتیجه متغیرهای مستقل میزان همبستگی اجتماعی، احساس کنترل اجتماعی، در دو تحقیق با هم مطابقت داشته و رابطه همبستگی مثبت با متغیر احساس تعهد اجتماعی را نشان می‌دهد. متغیرهای جنس و وضع اشتغال که در تحقیق توکل‌نیا (۱۳۹۰) با موضوع «بررسی عوامل مؤثر بر تعهد اجتماعی در دانشجویان دانشگاه اصفهان» تأثیر بر احساس تعهد اجتماعی را نشان می‌دهند، با تأثیر همین متغیرها در تحقیق حاضر مطابقت دارند.

در تحقیق حاضر متغیر احساس محرومیت، بر متغیر احساس تعهد اجتماعی تأثیر دارد که این متغیر در تحقیق پرچمی (۱۳۷۴) با عنوان «تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن» نیز با تعهد اجتماعی جوانان رابطه داشته

است. میزان ضریب تبیین چندگانه تحقیق پرچمی ۵۱ درصد است در حالی که این میزان ضریب، در تحقیق حاضر ۴ درصد بیشتر معادل ۵۵ درصد است که نشانگر تبیین قوی تغییرات متغیر احساس تعهد اجتماعی است.

میزان ضریب تبیین چندگانه این متغیرها، درصد قابل توجهی است. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، در واقع این متغیرها ۵۵ درصد از تغییرات احساس تعهد اجتماعی را تبیین می‌کنند که این ضریب تبیین چندگانه نیز در مقایسه با تحقیقات گذشته با موضوع مشابه، بیشترین ضریب بوده است.

در نتایج برخی تحقیقات انجام‌شده که از آنان یاد شد نیز رابطه تعهد اجتماعی و بزهکاری، معکوس است که نشان می‌دهد هرچقدر میزان تعهد اجتماعی پایین‌تر باشد، گرایش افراد به جرائم و بزهکاری افزایش می‌یابد و هر چه تعهد اجتماعی قوی‌تر و مستحکم‌تر شود بزهکاری و جرائم کاهش می‌یابد. در واقع از آنجا که تعهد اجتماعی اشاره به درونی‌شدن ارزش‌ها در افراد می‌کند، چنانچه هنجارها و ارزش‌ها برای افراد جامعه درونی نشود، درک مسئولیت‌پذیری در افراد کم خواهد بود و منجر به رفتارهای بزهکارانه خواهد شد. به عبارتی هرچقدر تعهد اجتماعی در افراد کاهش یابد، احساس غضب اخلاقی افزایش می‌یابد، و برعکس، هرچقدر احساس غضب اخلاقی افزایش یابد، تعهد اجتماعی کاهش می‌یابد و پیامدهایی چون بزهکاری رخ خواهد داد. در این تحقیق نیز می‌بینیم که هر قدر احساس کنترل اجتماعی در افراد بیشتر باشد احساس تعهد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ لذا نتیجه می‌گیریم که احساس کنترل اجتماعی موجب افزایش تعهد اجتماعی و متعاقب آن افزایش انتظام اجتماعی و کاهش رفتارهای بزهکارانه خواهد شد که این موضوع برای دیگر متغیرها (ارضای نیازهای فردی، میزان همبستگی اجتماعی و وابستگی عاطفی) هم صدق می‌کند. از طرفی احساس محرومیت، تعهد اجتماعی را کاهش داده و از آن طریق موجب افزایش غضب اخلاقی و رفتارهای بزهکارانه خواهد شد که بر نظم و انتظام اجتماعی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

پیشنهادها

۱- با توجه به اینکه در تحقیق حاضر متغیر احساس محرومیت روی احساس تعهد اجتماعی افراد اثر معکوس دارد و هرچقدر افراد این متغیر را بیشتر احساس کنند احساس تعهد اجتماعی آنان کمتر خواهد شد؛ بنابراین، لازم است دستگاه‌ها، سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط، برنامه‌ها و خدمات خود را به نحوی ارائه دهند که توقعات مادی و معنوی مردم بیشتر از قبل قابل دسترسی باشند تا از این طریق نیازهای فردی افراد بیشتر ارضاء شود، احساس محرومیت کاسته شده و تعهد اجتماعی افزایش یابد.

۲- حال که مشخص شد احساس کنترل اجتماعی تأثیر مستقیم بر احساس تعهد اجتماعی دارد و از آنجاکه بخشی از کنترل اجتماعی جامعه از طریق نیروهای انتظامی و پلیس محقق می‌شود؛ بنابراین، لازم است پلیس در جامعه نمود و نظارت خود را بیشتر سازد (چه از طریق حضور فیزیکی و چه از طریق دوربین‌های نظارتی و فناوری‌های هوشمند سازی) تا از طریق افزایش احساس کنترل اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی افراد جامعه بیشتر شود و به تبع آن انتظام و نظم اجتماعی افزایش یابد.

۳- سایر متغیرهای تأثیرگذار بر احساس تعهد اجتماعی مانند همبستگی اجتماعی و وابستگی عاطفی توسط نهادهای دینی و فرهنگی دنبال شود. یعنی از طریق اجرای مناسک دینی و مراسمات فرهنگی، همبستگی اجتماعی و وابستگی عاطفی افراد به اجتماعات را افزایش دهند تا احساس تعهد اجتماعی نیز افزایش یابد و بتوانیم جامعه‌ای پویا، یکپارچه، منسجم و متعهدتری داشته باشیم.

۴- تعهد اجتماعی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین عوامل ایجادکننده نظم و ثبات اجتماعی در جوامع است و برای تحقق آن همواره موانع و چالش‌هایی وجود دارد؛ لذا باید مسئولین برنامه‌ریزی دولتی و قانون‌گذاران، موانع و چالش‌های موجود را به‌خوبی بشناسند و با تقسیم وظایف بین دستگاه‌ها و نهادهای مختلف اجتماعی، درصدد برطرف نمودن آنان برآیند، و از آنجاکه

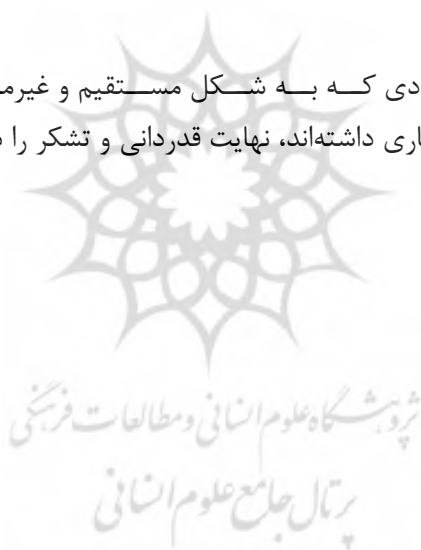
شناسایی دقیق این موانع و چالش‌ها جز با انجام پژوهش و تحقیقات میدانی میسر نمی‌شود، تداوم انجام این‌گونه تحقیق‌ها ضرورت داشته و لازم است عواملی که بر احساس تعهد اجتماعی مردم مؤثر هستند توسط محققین شناسایی و در اختیار دستگاه‌های مسئول قرار گیرد.

۵- پیشنهاد می‌شود پژوهشگران و محققان علاقه‌مند در خصوص تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل به‌صورت مجزا تحقیق نمایند.

۶- با توجه به اینکه در تحقیق حاضر "احساس تعهد اجتماعی" مورد مطالعه قرار گرفته است، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی متغیر "تعهد اجتماعی" که بحث گسترده و فراگیری نیز هست مورد مطالعه قرار گیرد.

سپاسگزاری

در انتها از کلیه افرادی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم در انجام و جمع‌آوری این مقاله همکاری داشته‌اند، نهایت قدردانی و تشکر را داریم.



منابع

- امیر احمدی، امیر. (۱۴۰۰). تأثیر جهت‌گیری مذهبی در ایجاد تعهد اجتماعی و قانون‌گرایی در بین جوانان شهر اسلام‌آباد غرب. *انتظام اجتماعی*، ۱۳ (۳)، ۶۷-۹۸.

http://sopra.jrl.police.ir/issue_۱۳۴۲۰_۱۳۶۲۱.html

- ایمان، محمدتقی و مرادی، گلمراد. (۱۳۸۶). بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با تعهد اجتماعی جوانان شهر شیراز. *نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز*، ۲۴(۲)، ۱۵۵-۱۷۴.

<http://ensani.ir/fa/article/journal-number/۲۰۹۸۲>

- ایمان، محمدتقی و مرادی، گلمراد. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۲)، ۱۵۵-۱۷۴.

https://jas.ui.ac.ir/issue_۳۴۳۶_۳۴۳۸.html

- اولادی، شعبان؛ محمدی، اصغر؛ و نظری، سعید. (۱۳۹۹). بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر سرمایه اجتماعی پلیس در شهر اصفهان. *انتظام اجتماعی*، ۱۲(۴)، ۱-۲۸.

http://sopra.jrl.police.ir/issue_۱۲۹۰۵_۱۳۲۶۹.html

- باقی نصرآبادی، علی. (۱۳۸۴). همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی (دیدگاه‌ها، عوامل تقویت، تهدیدها و راهکارها). *مجله حصون*، ۲(۶)، ۱۶۵-۱۸۷.

<http://ensani.ir/fa/article/journal-number/۱۴۷۴۸>

- پرچمی، داوود. (۱۳۷۴). تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.

- توکل‌نیا، مرضیه. (۱۳۹۰). تعهد اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.

- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- حسینی‌نژاد ماه خاتونی، سید باقر؛ پریرزاد، رضا؛ و الهی‌منش، محمدحسن. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین تعهد اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر بندرعباس. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵ (۱۱)، ۳۷۰۳-۳۷۱۳.
https://jou.spsiran.ir/issue_20238_21622.html
- حقیقتیان، منصوره؛ و عبداللهی، منیژه. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر تعهد اجتماعی در بین دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر اصفهان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳ (۴)، ۶۵-۷۵.
https://jisds.srbiau.ac.ir/issue_410_414.html
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). *تقسیم‌کار اجتماعی*. ترجمه حسن حبیبی. تهران: نشر قلم.
- سنجری، احمدرضا. (۱۳۷۵). *تعهد شغلی مدیران آموزشی*. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش. ۵ (۱۴)، ۳۶.
- سیدان، فریبا؛ و محمدی، خدیجه. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر میزان تعهد اجتماعی در زنان و مردان شاغل. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۷ (۳۹)، ۱-۱۵.
<http://ensani.ir/fa/article/journal-number/33450>
- صاحبی، علی؛ زالی‌زاده، محسن؛ و زالی‌زاده، مسعود. (۱۳۹۴). *ثئوری انتخاب رویکردی در جهت مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی*. *رویش روان‌شناسی*، ۴ (۱۱)، ۱۱۳-۱۳۴.
<https://www.magiran.com/volume/99128>
- صباغ، صمد؛ و قیاسی، سحر. (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان تعهد اجتماعی. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲ (۵)، ۷۸-۱۰۳.
https://jss.tabriz.iau.ir/issue_112203_112204.html

— صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶). بررسی نیازهای اجتماعی، فرهنگی و آموزشی دختران دانش‌آموز سراسر کشور. زن در توسعه و سیاست، ۵(۳)، ۶۲-۳۱.

https://jwdp.ut.ac.ir/article_۲۷۱۵۶.html

۱۸۷ — عبدی، عباس؛ و گودرزی، محسن. (۱۳۷۸). تحولات فرهنگی در ایران. تهران: نشر روش.

— علی‌اکبری بابوکانی، حسین‌علی؛ و سلطانی، ژاله. (۱۳۸۷). بررسی میزان آشنایی و پایبندی دانش‌آموزان ایرانی پایه سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی در کویت نسبت به هویت ملی. سومین همایش بین‌المللی پژوهش معلم. سرپرستی جمهوری اسلامی ایران در کویت.

— فاطمی‌نیا، سیاوش؛ و سیامک حیدری. (۱۳۸۹). عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی. رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۴۱-۶۴.

<https://refahj.uswr.ac.ir/article-1-356-fa.html&sw>

— کردعلیوند، سهیلا؛ و مبارکی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان. دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۷(۱۳)، ۱-۳۶.

https://iocv.ir/article/article_۸۷۰۴۷

— گودرزی، سعید. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر متغیرهای مرتبط با پلیس بر احساس امنیت اجتماعی. نشریه علمی انتظام اجتماعی، ۱۱(۴)، ۱۶۳-۱۹۰.

http://sopra.jrl.police.ir/issue_۱۵۷۶۶_۱۲۵۴۰.html

— مبارکی، محمد؛ عظیمی، غلامرضا؛ و فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۹۲). تحلیل عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر تعهد اجتماعی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۱(۲)، ۱۱۷-۱۵۱.

https://iocv.ir/article/article_۸۶۹۶۹

— مدنی قهفرخی، سعید. (۱۳۹۴). ضرورت مبارزه با فقر و نابرابری در ایران. تهران: آگاه.

- نوروزی، فیض‌الله. (۱۳۸۷). تعهد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- یوسفی، علی؛ فرهودی‌زاده، مارینا؛ و لشکری دربندی، مرضیه. (۱۳۹۱). فشار هنجار تعهد اجتماعی در ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۲)، ۱۷۹-۱۹۲.

https://jas.ui.ac.ir/issue_3447_3449.html

- Cochran, K. (2012). "Is the school attachment/commitment-delinquency relationship spurious? An exploratory test of arousal theory". Published online, 10 Jan, 2012: 49-70.
- Cushman, J. W. (1992). The organizational Dynamics of Teacher Workplace Commitment: A study of urban elementary and middle schools. *Educational Administration Quarterly*, Vol.28, No 1, pp 5 – 24
- Festinger, L., & Carlsmith, J. M. (1959). Cognitive consequences of forced compliance. *The Journal of Abnormal and Social Psychology*, 58(2), 203–210.
- Jenkins, H. (1995). "School Delinquency and School Commitment". *Sociology of Education*, Vol. 68, No. 3: 221-239
- Lawler, Edward J. Jeongkoo Yoon. (1993). Power and emergence of commitment Behavior in Negotiated Exchange, *American Sociological Review*, Vol. 58. No. 4.
- Mills, Theodore M. (1988) *The Sociology of small groups*, Prentice Hall of India- New Delhi.
- Santos, S. and N.L. Emulous. (1998). "Factors Related to Commitment of Extension Professionals in the Dominican Republic", *Journal of Agricultural Education*, Vol. 35, No.3, pp. 57 – 61.
- Tsai, K & Wang, J. (2004). "The R & D Performance in Taiwan's Electronic Industry". *R & D Management*, Vol. 34, No. 2, pp. 179 – 189.